

بسمه تعالی

حضور کودک معلول در خانواده - قسمت سوم

نقش پدر و مادر

دکتر محمد کمالی

در قسمت دوم از ضرورت حضور مشاور و نقش او در راهنمایی والدین کودکان معلول سخن گفتیم. بدیهی است این مشاوره در مرحله آگاهی یافتن خانواده از وجود کودک معلول آغاز می شود، هر چند هدف از انجام آن کوتاه کردن فاصله زمانی شوک وارده تا پذیرش واقعیت در مورد فرزندشان می باشد، لیکن این امر باید تا مراحل بعدی که برنامه های درمان و توانبخشی آغاز می شود، ادامه یابد. در این مرحله نقش والدین هر روز پررنگ تر می شود. پذیرش واقعیت - معلولیت کودک - از سوی پدر و مادر - دقت شود پذیرش هر دو نفر پدر و مادر لازم و ضروری است - می تواند در تسریع برنامه درمان و توانبخشی و شروع به موقع آن نقش داشته باشد.

والدین باید از کودک معلول خود شناخت مناسبی را کسب نمایند. به عنوان مثال والدین یک کودک ناشنوا باید بدانند آنچه برای کودک رخ داده است، تنها اختلالی در شنوایی اوست و سایر حواس، اعضا و قوای ذهنی او سالم است و می تواند و باید مورد استفاده بیشتری قرار گیرد. به همین ترتیب در مورد کودک نابینا یا کم بینا، والدین باید به درکی واقعی از میزان اختلال ایجاد شده و نحوه جبران آن به وسیله دیگر اعضا و حواس مثلاً حس شنوایی و لامسه دست یابند. والدین کودک مبتلا به کم توانی ذهنی نیز، لازم است از میزان بهره هوشی باقی مانده در کودک اطلاع یابند تا میزان انتظار خود را از کودک بر آن اساس در نظر بگیرند. چنین شناختی می تواند در تسریع و بهبود کودک بسیار مؤثر باشد.

وجود رابطه صمیمانه بین پدر و مادر از جمله نکات مهم در رشد کودک و انجام به موقع و مفید برنامه های درمان و توانبخشی می باشد. هر چند سوابق و تجربیات حاکی از آن است که اغلب این مادران هستند که بار اصلی کار را بر دوش می کشند، لیکن لازم است تا پدران نیز در این زمینه احساس مسئولیت بیشتری نمایند و این زمانی حاصل خواهد شد که هر دو نفر، بپذیرند در زمینه اتفافی که رخ داده است مسئولیت مشترک و یکسانی دارند. در این مورد والدین باید خود را از ذهنیت های منفی مبتنی بر گناهکار بودن یکی از طرفین، رها نمایند و به امروز خود فکر نمایند و به گذشته بیندیشند. آنچه اهمیت دارد وظیفه ای است که والدین امروز در قبال ناتوانی کودک خود دارند و آن چیزی جز شروع به موقع برنامه های توانبخشی نیست.

تلاش والدین برای کسب اطلاعات و آگاهی در مورد بیماری و ناتوانی جامعه است فرزندشان و نیز چگونگی برنامه درمان و توانبخشی او بسیار بااهمیت است. از سوی دیگر وظیفه دست اندرکاران امور توانبخشی و

تمهیدات که با تهیه مطالب آموزشی ساده و مناسب، به فعالیت های والدین برای ادامه درمان و توانبخشی جهت صحیحی بدهند. این گونه جزوات که می تواند در چند جلد و به ترتیب پیشرفت کودک تهیه شوند - نمونه های آن هم اکنون در برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه مورد استفاده قرار می گیرد سهم به سزایی در بهبود کودک خواهد داشت.

نکته آخر در این بحث لزوم تماس والدین با سایر والدینی است که دارای کودکی با همین نوع معلولیت می باشند. والدینی که مراحل کار با کودک را در سالهای قبل آغاز کرده و کودکشان به شکلی موفقیت آمیز برنامه های توانبخشی خود را ادامه می دهد، می تواند بهترین مشاوره و راهنمایی را برای والدین جوان بر عهده بگیرند. این گونه ارتباطات می تواند به تأمین آرامش و اطمینان خاطر و نیز اعتماد به نفس آنان کمک نماید. ضمن اینکه در ایجاد نگرش مثبت در والدین برای ادامه برنامه های آموزشی و توانبخشی مؤثر خواهد بود. شرکت والدین در برنامه های درمان گروهی - متأسفانه در حال حاضر در ایران کمتر انجام می شود - می تواند نقش ویژه والدین را در بهبود کودک نمایان تر سازد. همچنین لزوم کمک گرفتن از سایر اعضای خانواده همچون خواهران و برادران و نیز پدر یا مادر بزرگ در این مرحله مهم است.

به هر صورت نقش والدین در شروع و پیشرفت برنامه های درمان و توانبخشی و الحاق کامل کودک به اجتماع، بسیار حیاتی است، اما اینکه در مورد هر نوع از معلولیت چه ویژگی ها و اصولی باید مدنظر قرار گیرد در قسمت چهارم صحبت خواهیم کرد.